

## وقت مشترک بین دو نماز از دیدگاه شیعه و اهل سنت

هادی غلامرضا راوی\*، جواد صالحی\*\*، مینا غلامرضا راوی\*\*\*، محمد ابرهیم نژاد کهنی\*\*\*\*

### چکیده

میان شیعه و اهل سنت در احکام موارد اختلافی زیادی می باشد که از جمله می توان به مسئله جمع بین صلاتین اشاره نمود. شیعه برای نماز ظهر و عصر و برای نماز مغرب و عشاء وقت مشترک قائل است یعنی می توان نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند ولی اهل سنت قائل به وقت مشترک نمی باشد. در این مقاله به تبیین نظر شیعه و اهل سنت می پردازیم و اثبات می کنیم که اهل سنت اولاً به صورت مطلق چنین نظری ندارند و دیگر این که احادیثی وجود دارد در کتب اهل سنت که جمع بین صلاتین را به صورت مطلق اثبات می کند. در این در این مقاله ما از طریق مطالعه کتاب ها و فیش برداری و مراجعه به کتب فقهی و جمع بندی نظر فقها تفاسیر مختلف فقها را درباره این روایت آورده ایم.

### کلیدواژگان

جمع، سفر، مریض، نماز.

---

\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، ایران

رایانامه: hadyra94@gmail.com

\*\* استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول دین دزفول، دزفول، ایران

\*\*\*\* مربی، دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، ایران

## مقدمه

در این آیا بین دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء آیا می‌توان جمع نمود اختلاف میان شیعه و اهل سنت می‌باشد. شیعه معتقد می‌باشد که بصورت مطلق می‌توان جمع بین دو نماز جمع نمود و لی اهل سنت آن را به صورت مطلق نمی‌پذیرد. می‌توان ادله این مسأله را به قرآن و روایی تقسیم نمود. اما شایسته می‌باشد قبل از بیان ادله شیعه و اهل سنت معنای لفظ «جمع» که در اصطلاحات میان شیعه و اهل سنت می‌باشد بیان کنیم. تعریفی که در کتاب *فقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت* آمده این می‌باشد:

(هو أن يجمع المصلي بين الظهر و العصر تقدماً في وقت الظهر، بأن يصلي العصر مع الظهر قبل حلول وقت العصر، أو يجمع بينهما تأخيراً، بأن يؤخر الظهر حتى يخرج وقته، و يصلية مع العصر في وقت العصر، و مثل الظهر و العصر، المغرب و العشاء، فيجمع بينهما تقدماً و تأخيراً). (جزیری و سایر نویسندگان، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۲۰)

جمع حقیقی آن است که نمازگزار بین ظهر و عصر به صورت تقدیمی در وقت ظهر جمع نماید، بدین صورت که عصر را همراه با ظهر، و پیش از فرا رسیدن وقت عصر بخواند، یا آن‌که بین آنها به صورت تأخیری جمع کند، بدین ترتیب که نماز ظهر را چنان تأخیر اندازد تا وقتش خارج شود و آن را همراه با نماز عصر و در وقت عصر بخواند. پس مانند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاءست که بین آنها جمع تقدیمی و تأخیری صورت گیرد.

## بحث قرآنی

خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً). (اسراء/۷۸)

(نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروع ظهر شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده [فرشتگان شب و فرشتگان روز] است).

## شرح آیه

نخست می‌گوید: "نماز را برپا دار، به هنگام زوال آفتاب، تا نیمه شب، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را، چرا که این نماز مورد توجه فرشتگان شب و روز است ("دلوک شمس" به معنی زوال آفتاب از دایره نصف النهار است که وقت ظهر می‌باشد، و در اصل از ماده "دلک" به معنی مالیدن گرفته شده، چرا که انسان در آن موقع بر اثر شدت تابش آفتاب چشم خود را می‌مالد، و یا از دلک به معنی متمایل شدن است چرا که خورشید در این موقع از دایره نصف النهار به سمت مغرب متمایل می‌شود و یا اینکه انسان، دست خود را در مقابل آفتاب حائل می‌کند، گویی نور آن را از چشم خود کنار می‌زند و متمایل می‌سازد.

به هر حال در روایتی که از منابع اهل بیت ع به ما رسیده "دلوک" به همین معنی زوال خورشید تفسیر شده است، در روایتی از امام صادق ع می‌خوانیم که "عبید بن زراره" از تفسیر همین آیه از امام ع سؤال کرد امام فرمود: "خداوند" چهار نماز بر مسلمانان واجب کرده است که آغاز آن وقت زوال شمس (ظهر) و پایان آن نیمه شب است". (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۲)

در روایت دیگری از امام باقر ع در تفسیر همین آیه هنگامی که زراره محدث بزرگ شیعه از آن سؤال کرد چنین فرمود: دلوکها زوالها، غسق اللیل الی نصف اللیل، ذلك اربع صلوات وضعهن رسول الله (ص) و وقتهن للناس و قرآن الفجر صلاة الغداة:

"دلوک شمس به معنی زوال آن (از دایره نصف النهار) است، و غسق اللیل به معنی نیمه شب است، این چهار نماز است که پیامبر ص آنها را برای مردم قرار داد و توقیت نمود، و قرآن الفجر اشاره به نماز صبح است".

البته بعضی از مفسران، احتمالات دیگری در معنی دلوک داده‌اند که قابل ملاحظه نیست. و اما "غسق اللیل" با توجه به اینکه غسق شدت ظلمت است، و تاریکی شب در نیمه شب از هر وقت متراکم‌تر می‌باشد این کلمه روی هم رفته "نیمه شب" را می‌رساند. "قرآن" به معنی چیزی است که قرائت می‌شود و "قرآن فجر" روی هم رفته اشاره به نماز فجر است.

به همین دلیل آیه فوق از آیاتی است که اشاره اجمالی به وقت نمازهای پنجگانه می‌کند، و با انضمام به سایر آیات قرآن در زمینه وقت نماز است، و روایات فراوانی که در این رابطه وارد شده، وقت نمازهای پنجگانه دقیقاً مشخص می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۲۲۲)

از این آیه معلوم می‌شود که از زوال خورشید تا نیمه شب، وقت مشترک چهار نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء است و چون ظهر و عصر باید در روز خوانده شود و مغرب و عشاء در شب، از ظهر تا غروب وقت مشترک نمازهای ظهر و عصر و از مغرب تا نیمه شب وقت مشترک نمازهای مغرب و عشاء است و البته باید ترتیب رعایت شود و اول و آخر وقت در نظر گرفته شود، یعنی به اندازه خواندن چهار رکعت نماز، وقت اختصاصی نماز ظهر به هنگام زوال خورشید است و به اندازه خواندن چهار رکعت نماز، وقت اختصاصی عصر قبل از غروب خورشید است و به همین صورت است نمازهای مغرب و عشاء. (جعفری، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۰)

در این جا ادله اهل سنت در باره عدم دلالت این آیه بر جواز صلاتین بیان و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

سایس در تفسیر خود می‌فرماید: عده ای از امر به اقامه نماز از دلوک الشمس الی غسق الیل در این آیه قصد داشتند اوقات نماز را تبیین کنند که سه وقت می‌باشد وقت دلوک شمس، وقت غسق الیل و وقت فجر. اما وقت دلوک شمس دو نماز دارد نماز ظهر و عصر و وقت غسق الیل شامل نماز مغرب و عشاء می‌شود و وقت فجر شامل نماز صبح می‌شود. و آیه دلالت بر جواز بین دو نماز ظهر و عصر دارد زیرا وقتش دلوک می‌باشد و همچنین دلالت بر جمع نماز مغرب و عشاء دارد زیرا زمانش غسق الیل می‌باشد و این استدلال عجیب می‌باشد زیرا این آیه دلالت بر اقامه نماز از دلوک شمس الی غسق الیل دارد اما این که امر دلالت بر اشتغال نماز بر کل وقت دارد یا انجام فعل بر بعض اجزا آن دارد و چه مقدار از بعض آن دارد مشخص نیست و سنت روشنگر آن می‌باشد. از ابن عباس و ابن مسعود روایت بر جمع صلاتین بدون عذر شده است. (سایس، ۱۴۲۳، ص ۴۸۸)

آلوسی می‌فرماید: شاید اکتفا به بیان مبدا و منتها در اوقات نماز بدون جدایی بین آن‌ها این

باشد که انسان در بین این زمان ها در حالت خواب می باشد و بعضی ها متصل به دیگری است به خلاف نماز عشا و فجر که معمولا در آن زمان انسان خواب می باشد و یکی از دیگری منقطع می باشد به همین دلیل فجر را از سایر اوقات جدا کرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۲۷)

شیخ علی بن نایف می گوید علما شیعه ادعا کرده اند و به آیه *أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ* اسناد کرده اند می گویم این حجتی بر علیه شما و نه برای شما می باشد خدا فرمود *أَقِمِ الصَّلَاةَ فِي لَدُلُوكِ الشَّمْسِ (و) غَسَقِ اللَّيْلِ (و) قُرْآنَ الْفَجْرِ* بلکه گفت *أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ (إِلَى) غَسَقِ اللَّيْلِ* ای عرب تعقل کنید؛ خدا می فرماید: *(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)* (یوسف / ۲) و این برای غیر عرب مشکل می باشد اگر تفسیر قرآن کند پس می فرماید از ظهر تا عشا و بعد فجر نماز بخوان و این مصداق توالی و پشت سر هم بودن نماز می باشد که بعد از ظهر، عصر می باشد و بعد از آن مغرب و سپس بصورت مباشر عشاء می باشد. سپس بندگان خدا می خوابند و این قطع می شود تا فجر و این مدت زمان طولانی فاصله می اندازد بین نماز صبح با سایر نمازها. (علی بن نایف، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۹)

بر جواب دادن به این بیانات، سخن امام فخر رازی کافی می باشد. ایشان در تفسیرشان می فرمایند: در آیه مذکور سه وقت برای نماز می باشد وقت زوال و وقت اول مغرب و وقت فجر و این اقتضا می کند که زوال وقت برای ظهر و عصر باشد و این وقت مشترک برای این دو نماز می باشد و اول مغرب وقت برای نماز مغرب و عشا می باشد پس این وقت برای مشترک بین این دو نماز می باشد و این مقتضی جواز جمع بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء مطلقا می باشد مگر دلیلی دلالت کند جمع در حضر بدون عذر جایز نمی باشد پس جمع واجب می باشد به عذر سفر و عذر باران و غیر آن. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۴)

## بحث روایی

در این جا ابتدا روایات شیعه و اهل سنت را بیان و بررسی می کنیم.

### دیدگاه شیعه

شیعه معتقد می باشد که جمع صلاتین چه در حضر و چه در سفر مطلقاً جایز می باشد و به ذکر چند روایت از کتب شیعه بسنده می کنیم.

(مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرَبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ).

از امام صادق روایت شده که رسول خدا بین نماز ظهر و عصر جمع کرد به یک اذان و همچنین بین نماز مغرب و عشا جمع کرد به یک اذان بدون هیچ عذری و آن را اقامه نمود. (حر

عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۰ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۷۷)

(وَ فِي الْعِلَالِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص صَلَّى الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ لَا سَبَبٍ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ وَ كَانَ أَجْرًا الْقَوْمِ عَلَيْهِ أ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَ لَا وَ لَكِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَوْسِعَ عَلَيَّ أُمَّتِي).

گفت همانا رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را در مکان واحد بدون هیچ عذر و سببی می خواند عمر گفت آنچه که در نماز بوجود آمده را قوم اجرا کنند فرمود نه ولی خواستم بر امت خویش وسعت قرار دهم. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۱ و مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۷۹، ص ۳۳۴)

(وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ أَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ قَالَ قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرَادَ التَّخْفِيفَ عَنْ أُمَّتِهِ). (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۱، مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۷۹، ص ۳۳۴)

پیامبر خدا (ص) بدون علت بین دو نماز جمع می کرد گفت چرا رسول خدا چنین می کرد فرمودند برای تخفیف بر امت خویش.

(وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُرَظِيِّ جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ سَعِيدِ الْأَزْرَقِ عَنْ زُهَيْرِ بْنِ حَرْبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ وَ لَا سَفَرٍ فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يَخْرُجَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِهِ). (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۲ و مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۷۹، ص ۳۳۴)

از ابن عباس نقل شده که پیامبر خدا بین دو نماز ظهر و عصر بدون خوف و سفر جمع می کرد پس گفت رسول خدا اراده کرده که حرجی بر امت نباشد.

(و بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْعَبَّاسِ الْأَزْرَقِ عَنِ ابْنِ عَوْنٍ بْنِ سَلَامٍ الْكُوَيْبِيِّ عَنْ وَهْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ مِثْلَهُ وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي يَعْلَى بْنِ اللَّيْثِ وَ أَيْ قُمْ عَنْ عَوْنِ بْنِ جَعْفَرٍ الْمُحْزُومِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ قَيْسِ الْفَرَّاءِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ مِنْ غَيْرِ مَطَرٍ وَ لَا سَفَرٍ فَقِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا أَرَادَ بِهِ قَالَ أَرَادَ التَّوَسُّيعَ لِأُمَّتِهِ). (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۲۲)

ابن عباس می گوید: پیامبر بین ظهر و عصر و مغرب و عشا، بدون علت باران و سفر جمع نمود. به ابن عباس گفته شد: منظور پیامبر چیست؟ گفت: او خواست بر امت خویش توسعه ایجاد کند.

(و بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّمْسُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ قَالَ لَا بَأْسَ). (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۲ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۳۱)

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا می توان بین نماز مغرب و عشا در حضر و پیش از پنهان شدن مشفق بدون هیچ علتی جمع کرد؟ حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

(و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُدَيْنَةَ عَنْ زَهْطِ بْنِ مَرْثَدٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۲)

زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود که پیامبر خدا، نماز ظهر و عصر را به صورت جماعت و بدون هیچ علتی اقامه نمود و با آنان، نماز مغرب و عشا را هم پیش از ساقط شدن شفق و به صورت جماعت، بی هیچ علتی خواند. آن حضرت این کار را برای توسعه وقت بر امت خویش انجام داد.

از روایات بر می آید که نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوصی به خود دارند و یک وقت

مشترک و همچنین نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوصی به خود دارند و یک وقت مشترک که می‌توان آن‌ها را با هم خواند.

علی بن نایف می‌گوید که شیعه معتقد است که رسول خدا همیشه جمع بین دو نماز می‌نمود (علی بن نایف، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۹) در حالی که از این روایات جواز جمع بر می‌آید و نه این که رسول خدا همیشه بین صلاتین جمع کرده باشد و شیعه چنین اعتقادی ندارد.

### دیدگاه اهل سنت

ابن مسعود مطلق جمع را نفی کرده است و جمع نماز را به مزدلف محصور نموده است. (الشوکانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۴)

حنفیه جمع را منع کرده مگر در هنگام مزدلفه و عرفه. شافعی و مالکی و حنبلی بدون هیچ اختلافی جمع نماز را هنگام سفر جایز دانسته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷۰)

شافعی و اکثر فقها در سفر طولانی جمع بین نماز ظهر و عصر در هر یک از دو زمان که باشد و بین مغرب و عشا در هر یک از دو زمان که باشد جایز می‌دانند و در جواز جمع بین دو نماز در سفر کوتاه دو قول وجود دارد که صحیح‌ترین آن این است که در قصر و طویل که چهل و هشت میل هاشمی می‌باشد جایز نمی‌باشد اما مریض پس مشهور از مذهب شافعی و اکثر علمای جایز نمی‌باشد و احمد و جماعتی از اصحاب شافعی جمع بین دو نماز را جایز می‌دانند و این نظر قوی می‌باشد. (ابوزکریا، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۱۲)

از مجموع آن چه گفته شد مشهور علمای سنت بر این عقیده هستند که جمع نماز در حضر بدون عذر صحیح نمی‌باشد.

در میان کتاب‌های معتبر و صحاح اهل سنت، روایات متعددی در مورد جمع بین صلواتین به چشم می‌خورد که به صورت صریح و روشن، جمع بین صلواتین را تجویز می‌کند. از جمله:

(حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِالْمَدِينَةِ سُبْعًا وَثَمَانِيًا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ فَقَالَ أُتُوبُ لَعَلَّهُ فِي لَيْلَةٍ مَطِيرَةٍ قَالَ عَسَى.)

ابن عباس گفته است که پیامبر در مدینه، هفت رکعت و هشت رکعت نماز ظهر و عصر و



مغرب و عشا را با هم خوانده است. ایوب می گوید شاید شب بارانی بوده است گفت شاید. (ابوعبدالله، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۴ و سلیمان بن احمد، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۱۷۷ و احمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۷ و مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۲)

(سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ -ﷺ- الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ . قَالَ أَبُو الرَّبِيعِ فَمَسَّأَلْتُ سَعِيدًا لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَالَ سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ كَمَا سَأَلْتَنِي فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرَجَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ). (احمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و سلیمان بن احمد، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۷۴ و مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۶ و علی بن حسام، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۲۴۹ و احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۵۸)

ابن عباس گوید : پیامبر ظهر و عصر را در مدینه و بدون خوف و سفر خواند. ابو زبیر گوید: از سعید سؤال کردم که چرا حضرت چنین کرد؟ او گفت: من نیز از ابن عباس علتش را پرسیدم، او گفت: پیامبر خواست تا کسی از امت او به حرج و سختی نیفتد.

(سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ : صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ -ﷺ- الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعًا فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ . قَالَ مَالِكٌ أَرَى ذَلِكَ كَانَ فِي مَطَرٍ). (احمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و ابوداود، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۹)

ابن عباس روایت شده است پیامبر خدا (ص) نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم خواند بدون آن که خوف یا سفری باشد. مالک گوید در هنگام باران بوده است.

(سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ : أَنَّ النَّبِيَّ -ﷺ- جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ). (احمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶)

سعید بن جبیر گوید: ابن عباس گفت که پیامبر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را بدون هیچ خوف و سفری با هم خواند.

و در حدیث دیگر آمده (حدثنا القاسم بن زكريا ثنا أبو كريب ثنا أبو كريب ثنا عبيد الله بن موسى ثنا حماد بن سلمة عن عاصم عن الشعبي عن ابن عباس : أن رسول الله صلى الله عليه و سلم جمع بين الظهر والعصر بالمدينة في غير خوف). (سلیمان بن احمد، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۸۶)

(حَدَّثَنَا شُعَيْبَانُ عَنْ عَمْرِو سَمْعٍ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ : صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ -

عَلَيْهِ السَّلَامُ - ثَمَانِيًا جَمِيعًا وَسَبْعًا جَمِيعًا). (احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و سليمان بن احمد، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۱۷۶ و أحمد بن شعيب، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۷)

جابر بن زيد گوید شنیدم از ابن عباس گفته است که با پیامبر (ص)، هفت رکعت و هشت رکعت را با هم خواندم.

و در بعضی کتب این افزوده شده (قُلْتُ يَا أَبَا الشَّعْبَاءِ أَطْنُهُ أَخْرَ الظُّهْرَ وَعَجَلُ العَصْرِ وَعَجَلُ العِشَاءِ وَأَخْرَ المَغْرِبَ قَالَ وَأَنَا أَطْنُهُ). (ابوعبدالله، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۶ و احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۱)

(قَالَ عَلِيُّ وَحَدَّثَنَا بِهِ سُفْيَانُ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مِثْلَهُ فَقُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ وَزَادَ سُفْيَانُ مَرَّةً فِي حَدِيثِ أَبِي الزُّبَيْرِ غَيْرَ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ). (احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۶ و محمد بن عيسى، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۴ و احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۱۱)

ابن عباس می گوید: پیامبر بین ظهر و عصر و مغرب و عشا، بدون علت باران و سفر جمع نمود. به ابن عباس گفته شد: منظور پیامبر چیست؟ گفت: او خواست بر امت خویش حرجی نباشد.

(سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ - ﷺ - بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْمَدِينَةِ مِنْ غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ قُلْتُ : لِمَ تَرَى يَا أَبَا عَبَّاسٍ ؟ قَالَ : أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ). (احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۷)

ابن عباس می گوید: پیامبر بین ظهر و عصر و مغرب و عشا، بدون علت باران و سفر جمع نمود. به ابن عباس گفته شد: منظور پیامبر چیست؟ گفت: او خواست بر امت خویش حرجی نباشد.

(سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ - ﷺ - بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ قِيلَ لَهُ فَمَاذَا أَرَادَ بِذَلِكَ ؟ قَالَ : أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ قَالَ وَكَيْفَ فِي حَدِيثِهِ قَالَ سَعِيدٌ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ - ﷺ - قَالَ كَيْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ). (همان)

ابن عباس گوید: رسول خدا بین ظهر و عصر و مغرب و عشا در مدینه و بدون خوف و باران

جمع نمود. در حدیث و کعب آمده که به ابن عباس گفتم: چرا پیامبر چنین کرد؟ گفت: تا این که امتش به سختی نیفتد.

(عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَقِيقٍ قَالَ : حَظَبْنَا ابْنَ عَبَّاسٍ يَوْمًا بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَبَدَتِ النُّجُومُ. فَيَجْعَلُ النَّاسُ يُقُولُونَ : الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ قَالَ : فَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ لَا يَفْقَهُ الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ فَقَالَ : أَتَعَلَّمُنِي السُّنَّةَ لَا أُمَّ لَكَ، ثُمَّ قَالَ : رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَقِيقٍ : فَحَاكَ فِي صَدْرِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ. فَأَتَيْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ فَسَأَلْتُهُ فَصَدَّقَ مَقَالَتَهُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الرَّهْمَزَانِيِّ).

(احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۸ و سليمان بن احمد، ۱۴۰۴، ج ۵۷، ص ۲۰ و مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۳ و احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۳۴)

عبدالله بن شقیق گوید: ابن عباس در بصره برای ما خطبه می خواند تا این که خورشید غروب کرد و ستارگان آشکار شد. مردی از قبیله بنی تمیم گفت: نماز! نماز! ابن عباس به او گفت: ای بی مادر! تو می خواهی به من سنت را بیاموزی. رسول خدا بین صلاتین مغرب و عشا جمع نمود. ابن شقیق می گوید: پیوسته در ذهن من چیزی نسبت به این پاسخ خطور می کرد تا این که ابو هریره را ملاقات کردم و از او سؤال نمودم و او هم مطالب را تصدیق کرد.

و در روایت دیگر آمده است:

(قال عبد الله بن شقيق فحاك في صدري من ذلك شيء فأتيت أبا هريرة فسألته فصدق مقالته وفي حديث عمران بن حدير عن عبد الله بن شقيق قال قال رجلا لابن عباس الصلاة فسكت ثم قال الصلاة فسكت ثم قال لا أم لك تعلمنا بالصلاة وكنا نجمع بين الصلاتين على عهد رسول الله ﷺ -). (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۴ و احمد بن حسين، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۸)

عبدالله بن شقیق گوید: شخصی به ابن عباس گفت: نماز و سپس خاموش شد و این کار تا سه بار انجام گرفت. سپس ابن عباس به او گفت: ای بی مادر! تو می خواهی نماز را به ما یاد دهی. ما در زمان رسول خدا بین صلواتین جمع می کردیم.

### بیان احتمالات روایات

جمهور علما بر این نظرند که جمع نماز بدون عذر صحیح نیست و در بحر از عده ای ادعای اجماع شده است. جمهور علما از این حدیث جوابهایی داده اند.

### احتمال اول

از جمله جمع بین دو نماز در هنگام مریضی بوده است و نووی آن را تقویت می‌کند. حافظ می‌گوید: در این نظر است زیرا اگر پیامبر جمع بین صلوتهین را به دلیل عارض شدن مرض انجام داده بود، از مردم کسی پشت سر او نماز نمی‌خواند، مگر افرادی که چنین عذری را داشته باشند و ظاهر آن است که پیامبر با اصحابش نماز خوانده و ابن عباس در روایتش بدان تصریح کرده است.

(عبدالرحمن بن عبدالرحیم، بی تا، ج ۱ ف ص ۴۷۶)

پس این احتمال مردود می‌باشد و از جهتی در روایات دیگر با آوردن نفی هر قیدی و وضوح بر جمع بین دو نماز به صورت حقیقی می‌باشد.

### احتمال دوم

از جمله عذر به باران بوده است و نووی گوید این ضعیف می‌باشد زیرا در روایت دیگر قید من غیر خوف ولا مطر آمده است.

بخاری در ذیل این حدیث اضافه می‌کند که ایوب گفت: شاید شب بارانی بوده است. ولی این ذیل در کتب دیگر نیامده و به هر حال جزء حدیث نیست بلکه جمله‌ای است که برای توجیه آن اضافه شده است، ولی خواهیم دید که این توجیه وجهی ندارد، زیرا در روایت دیگری از ابن عباس که نقل خواهیم کرد تصریح شده است که پیامبر این کار را بدون هیچ عذری انجام داد.

(جعفری، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۵)

### احتمال سوم

چرا که آن روزی که حضرت نماز را به جمع خوانده، ابری بوده است و زمان به صورت دقیق مشخص نبوده است. از این رو، نماز ظهر را خوانده و پس از برطرف شدن ابر، معلوم شده که وقت عصر داخل شده است و در نتیجه، عصر را در وقت خودش خوانده‌اند.

نووی می‌گوید این باطل است به جهت اگر چه این که این برای نماز ظهر و عصر دور باشد

اما برای نماز مغرب و عشا چنین احتمالی نمی‌رود. (ابوزکریا، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۲۱۹)

#### احتمال چهارم

حافظ گوید که احتمال می رود که نماز ظهر به تاخیر انداخته شده است و به همین دلیل نماز ظهر و عصر را جمع کرده است.

نووی گوید که این ضعیف یا باطل است زیرا مخالف ظاهر است و روایت قابلیت تحمل این روایت را ندارد.

حافظ گوید که آنچه قوت می دهد جمع صوری را طرق حدیث می باشد که تعرض به زمان نماز در آن ها نمی باشد و اگر این روایت حمل بر مطلق می باشد که مستلزم خروج نماز از وقت آن بدون عذر می باشد و اگر بر صفت مخصوصی حمل شود مستلزم خروج نماز از وقتش نمی باشد و جمع بین احادیث پراکنده شود جمع صوری اولی می باشد...والله اعلم. (عبدالرحمن بن عبدالرحیم، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۶)

در کتاب السنن کبری بیهقی آمده: (حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ وَرَدَّ فِي آخِرِهِ فَقَالَ أَيُّوبُ لَعَلَّهُ فِي لَيْلَةٍ مَطِيرَةٍ فَقَالَ عَسَى وَرَوَى عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ أَنَّهُ حَمَلَهُ عَلَى تَأْخِيرِ الظُّهْرِ إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا وَتَعْجِيلِ العَصْرِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا). (احمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۶۷)

این حدیث به طرق مختلفه صحیح می باشد و اما دلالتی بر آن ندارد و الا بایستی قول به عدم وجوب التزام به اوقات نماز می شد یا بایستس قول به التزام به اوقات نماز مندوب می باشد می شد و این مخالف حق است

والله سبحانه يقول { ... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا } الآية ۱۰۳ من سورة النساء.

و صحیح این است که رسول خدا (ص) همانا جمع کرد در مدینه ظهر و عصر و مغرب و عشا جمعی صوری به این معنا تاخیر انداخت نماز ظهر را تا آخر وقت پس نماز می خواند و در نماز عصر به علت اول وقتی بودن آن تعجیل می فرمود پس دو نماز را بصورت جمع می خواند و گویی جمع بین دو نماز نموده است. و مثل آن انجام داد نماز مغرب و عشا را و این چیز می باشد بدون هیچ عذر. (عویضه، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۴۹۲)

### نقد و بررسی

بر این سخن اشکالاتی وارد است که اولاً بحث ما این است که آیا نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا وقت مشترک دارند یا خیر؟ پس این سخن شما که اگر روایت تخصیص بخورد موجب خروج نماز از وقتش می‌شود و مصادره بر مطلوب می‌باشد و از جهتی دیگر روایاتی از ابن عباس می‌باشد که فرموده که بدون آن که در خوف و سفر باشد و یا این که فرموده که امت در حرج نباشد و با تعلیلی که ابن عباس آورده با این احتمالاتی که از سوی علما اهل سنت ذکر شده سازگار نیست.

اگر جمع صوری در این جا بود لازم بود که ابن عباس به آن اشاره کند در حالی که حدیث بیانگر نفی هر گونه قید بوده و منظور ابن عباس در حالت بدون عذر می‌باشد پس انصافاً این توجیهاًت بدون قرینه می‌باشد چرا احادیث ذکر شده هر قیدی را نفی کرده است.

فاضل مقداد می‌فرمایند که نکته ای که در این حدیث باید توجه نمود این است که از خواص در تشخیص نماز ناتوانند چه رسد به عوام به همین جهت فرمود برای این که بر امتم حرجی نباشد. و دیگر این که متبادر از اطلاق نماز زمانی است که هر یک از نمازها در زمان مخصوص خود خوانده شود. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۰)

و در نهایت سخنی از ترمذی می‌آوریم که در آخر کتابش گفته است که امت بر ترک آن اجماع کرده باشند مگر حدیث حدیث بن عباس فی الجمع بالمدينة من غیر خوف ولا مطر و حدیث قتل شارب الخمر فی المرة الرابعة و اما حدیث شرب خمر که امت بر منسوخیت این حکم اجماع کرده اند. و اما حدیث جمع بین دو نماز نیز آن را تاویل نموده اند.

و از جمله تاویلات که نماز را به تاخیر انداخت تا آخر وقت پس هنگامی که نماز را خواند وارد وقت نماز دیگر شد و نماز دیگر را خواند و این باطل یا ضعیف می‌باشد. زیرا مخاف با ظاهر می‌باشد (ابوزکریا، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۱۹)

و عبدالمحسن در شرح سنن ابی داود می‌فرماید:

اما روایت دلالت دارد که پیامبر در مدینه بوده و جمع بین دو نماز نموده است این نادر می‌

باشد و غیر معمول و اشکالی در آن نیست. بعضی از اهل علم می فرمایند که در زمان مریضی پیامبر خدا بوده است زیرا در غیر خوف و سفر و باران بوده است و البته این وجهی ندارد و امر واسع می باشد زیرا این عباس فرمودند (أراد أن لا یخرج أمته)، پس اگر امر و شرایطی حاصل شد که مستدعی و مقتضی جمع بود عمل به این حدیث هیچ اشکالی ندارد. ( عبدالمحسن العباد، بی تا، ج ۷، ص ۹۷)

البته این گونه احتمالات بدون قرینه و تکلف گویی می باشد.

### نتیجه

جمع صلاتین چه در حضر و چه در سفر بصورت مطلق جایز می باشد.

## منابع و مأخذ

١. أبو زكريا، يحيى بن شرف بن مری النوى، (١٣٩٢ق) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج (شرح النوى على صحيح مسلم)، دار إحياء التراث العربى، بيروت، الطبعة الثانية.
٢. أبو عبد الرحمن، أحمد بن شعيب بن على الخراسانى، النسائى، (بى تا) سنن النسائى، بى چا.
٣. أبو عبد الله، محمد بن عبد الله بن أبى بكر القضاعى (ابن الأبار)، (١٨٨٥م) المعجم فى أصحاب القاضى الإمام أبى على الصدفى رضى الله عنه، الناشر دار صادر، بيروت، بى چا.
٤. أحمد بن الحسين بن على بن موسى أبو بكر البيهقى، (١٤١٤ق) سنن البيهقى الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، بى چا.
٥. أحمد بن حنبل، (١٤٢٠ق) مسند الإمام أحمد بن حنبل، شعيب الأرنؤوط وآخرون، مؤسسه الرسالة، الطبعة الثانية.
٦. أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائى، (١٤١١ق) سنن النسائى الكبرى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.
٧. آلوسى، سيد محمود، (١٤١٥ق) روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، على عبدالبارى عطية، دارالكتب العلمية، بيروت، اول.
- أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، (بى تا) سنن أبى داود، قاهره، بى چا.
٨. جزيرى، عبد الرحمن - غروى، سيد محمد - ياسر مازح، (١٤١٩ هـ ق) كتاب الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، دار الثقلين، بيروت، اول.
٩. جعفرى، يعقوب، (بى تا) تفسير كوثر، هجرت، قم، بى چا.
١٠. حرّ عاملى، محمد بن حسن بن على، (١٤٠٩ق) تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.



۱۱. ساييس، محمد على، (۱۴۲۳ق) تفسير آيات الاحكام، المكتبة العصرية، بيروت لبنان، بی چا.
۱۲. سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، (۱۴۰۴) المعجم الكبير، حمدى بن عبدالمجيد السلفى، الموصل، مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الثانية.
۱۳. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه، (۱۴۱۳ق) من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، دوم.
۱۴. عبد المحسن العباد، (بى تا) شرح سنن أبى داود، بی چا.
۱۵. عروسى حويزى عبد على بن جمعه، (۱۴۱۵ ق) تفسير نور الثقلين، انتشارات اسماعيليان، قم، چهارم.
۱۶. علاء الدين على بن حسام الدين المتقى الهندي البرهان فوري، (۱۴۰۱) كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، المحقق: بكرى حيانى - صفوة السقا، مؤسسه الرسالة، الطبعة الخامسة.
۱۷. عويضة، محمود عبداللطيف، (۲۰۰۴م) الجامع لأحكام الصلاة، بيروت، دار الوضاح للنشر والتوزيع - عمان الأردن، بی چا.
۱۸. فاضل مقداد جمال الدين مقداد بن عبدالله، (۱۴۱۹ ق) كنزالعرفان فى فقه القرآن، سيد محمد قاضى، مجمع جهانى، اول.
۱۹. فخرالدين رازى ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق) مفاتيح الغيب، دار احياء التراث العربى، بيروت، سوم.
۲۰. مجلسى دوم، محمد باقر بن محمد تقى، (۱۴۰۴ ق) بحارالانوار، بی چا.
۲۱. محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخارى، أبو عبد الله، (بى تا) الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (صحيح البخارى)، بی چا.
۲۲. محمد بن على بن محمد الشوكانى، (بى تا) نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، تعليقات يسيرة لمحمد منير الدمشقى، إدارة الطباعة المنيرية، بی چا.
۲۳. محمد بن عيسى بن سَوْرَة بن موسى بن الضحاک، (بى تا) الترمذى، سنن الترمذى، بی چا.

۲۴. محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری أبو العلاء، (بی تا) تحفه الأوذی بشرح جامع الترمذی، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی چا.
۲۵. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، (بی تا) الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی چا.
۲۶. مکارم شیرزای ناصر، (۱۳۷۵ش) پیام امام شرحی تازه و جامع بر نهج البلاغه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، اول.
۲۷. نایف، علی، (بی تا) شبهات الرافضة حول الصحابة رضی الله عنهم و رددها، بی چا.